

گزارشی از یک حرکت موفقیت آمیز در فنلاند بر علیه اعدام و سنگسار توسط حکومت اسلامی در ایران

E- mail : iranps.waisi@pp.inet.fi

اسماعیل ویسی

Tele : (358) 050 35 73 564

۱۸ نوامبر ۲۰۰۲

روز آکسیون جلو ساختمان سفارت جمهوری اسلامی

در اواخر ماه ژانویه ۲۰۰۱ به فراخوان تشکیلات فنلاند حزب کمونیست کارگری ایران در شهر هلسینکی، در اعتراض به احکام و اجرای اعدام و سنگسار توسط حکومت اسلامی در ایران، در جلو ساختمان سفارت جمهوری اسلامی آکسیون اعتراضی برگزار گردید.

در این آکسیون طبق برنامه ریزی قبلی اعتراض کنندگان واحد پلیس را که از ساختمان سفارت در برابر اعتراض کنندگان محافظت می نمود، غافلگیر کرده و بطور سمبلیک در اعتراض به جنایات فاشیستهای اسلامی، ساختمان سفارت را با گوجه فرنگی و تخم مرغ گندیده مورد حمله و تعرض قرار دادند. پلیس که غافلگیر شده بود بطور سراسیمه و هاج و واج به آکسیون حمله نمود و دو نفر " حیدر خدروی و صالح شیرخانی " را در حین پرتاب گوجه و تخم مرغ به ساختمان سفارت دستگیر و در ماشینهای همراه بازداشت نمود. بدنبال حمله پلیس، بنا به درخواست مسئول و سازمانده تظاهرات، اعتراض کنندگان جهت آزاد کردن دستگیر شدگان به ماشینهای پلیس حمله کرده و آنها را به محاصره خود در آوردند و خواهان آزاد شدن دستگیر شدگان شدند. جو و فضای محل برای مدت بیشتر از ۴۰ دقیقه متشنج بود. با پلیس درگیری لفظی تند و شدیدی پیش آمد و بر علیه پلیس شعار داده شد که باید دستگیر شدگان را آزاد کند. و ...

در همان اثناء از طرف سازمانده و مسئول آکسیون به فرمانده واحد پلیس اخطار و اطلاع داده شد که باید فوراً و در همینجا دستگیر شدگان را آزاد کنند و تا آزاد نشدن این دو نفر آکسیون همچنان ادامه خواهد داشت.

آکسیون همچنان بمدت حدوداً نیم ساعت دیگر با سخنرانی در محکوم کردن اعمال پلیس فنلاند و بر علیه جمهوری اسلامی و سر دادن شعار " مرگ بر جمهوری اسلامی، حکومت اسلامی، تروریست، تروریست، مرگ بر این حکومت ضد زن، حکومت اسلامی، حکومت سنگسار و... " با زبانهای فارسی و فنلاندی ادامه پیدا کرد. در حین آکسیون، رفقا " حیدر و صالح " آزاد شدند و با شور و شوق و سر دادن شعار " مرگ بر جمهوری اسلامی. زنده باد جمهوری سوسیالیستی. زنده باد حزب کمونیست کارگری

ایران " و دست زدنهای ممتد از آن استقبال شد و آکسیون خاتمه پیدا کرد. روز بعد از برگزاری تظاهرات روزنامه " هلسینگین سانومات HELSIGIN SANOMAT " که پر تیراژترین روزنامه سراسری در فنلاند می باشد و حدودا یک میلیون تیراژ دارد، گزارش کوتاهی را منعکس کرده بود و نوشته بود که حزب کمونیست کارگری ایران با گوگجه فرنگی و تخم مرغ به سفارت اسلامی ایران حمله کرد و جو و فضای جلو سفارت بمدت ۴۰ دقیقه متشنج بود.

ابلاغیه و فراخوانده شدن به اداره پلیس

چند هفته بعد از آن پلیس فنلاند از طریق ابلاغیه ای رسمی همراه فاکتوری از یک شرکت خدماتی که تخم مرغ و گوگجه فرنگی های اصابت کرده به در و دیوار ساختمان لانه جاسوسی و تروریستی را پاک کرده بودند، برای دستگیر شدگان فرستاده و خواهان پرداخت آن و رفتن جهت توضیح دادن از حرکت تعرض خود به اداره پلیس مرکزی هلسینکی شده بود.

پلیس به آنان گفته بود که اعمال شما بر خلاف قوانین فنلاند بوده است و " قانون شکنی " کرده اید و خواسته بود که فاکتور مزبور را که سفارت جمهوری اسلامی فرستاده بود، پرداخت کنند در غیر اینصورت فاکتور به دادگاه ارجاع داده خواهد شد. ...

آنان از حرکت خود که در مخالفت با اعمال ضد انسانی اعدام و سنگسار زنان توسط حکومت اسلام در ایران و در دفاع از حقوق اجتماعی انسانها، دفاع و تاکید کرده بودند و از تقبل باز پرداخت فاکتور مزبور سرباز زده و گفته بودند، میتوانید آنها را به دادگاه هم بدهید و زمانی هم در دادگاه حاضر خواهیم شد که نماینده حکومت اسلامی هم در دادگاه حاضر شود، و ما هم تلاش خواهیم کرد که پای میدیای فنلاند را به جلسه دادگاه بکشانیم تا افکار عمومی مردم را از این مسئله مطلع کنند. ...

برنامه ریزی و اقداماتی که باید انجام گیرد

پیش بینی و برنامه ریزی کارهای لازم، جهت ترو کردن و به افتضاح و شکست کشانیدن جمهوری اسلامی، از طرف دستگیر شدگان از جمله گرفتن وکیل، نامه سرگشاده نوشتن به نخست وزیر و نمایندگان پارلمان و جریانات سیاسی و مدافع حقوق بشر و تماس گرفتن با یک گروه دکمنت ساز و... انجام و در دستور قرار داده، شد.

بعد از چندین هفته از طرف دادگستری شهر هلسینکی ابلاغیه ای رسمی با تعیین زمان بر گزار شدن جلسه دادگاه در هفته اول ماه آوریل ۲۰۰۲ با درج اینکه نماینده حکومت اسلامی نیز در جلسه دادگاه حضور خواهد داشت، به " حیدر خدری و صالح شیرخانی " بعنوان باصطلاح " متهمین " ابلاغ گردید.

دستگیر شدگان همراه چند نفر دیگر از فعالین حزب که خود هم در جریان آکسیون شرکت فعال داشته بودند در جلسه دادگاه حضور پیدا کردند. از طرف حکومت اسلامی وکیلی از اهالی فنلاند که وکالت آنان را بعهده گرفته بود، شرکت نمود و بدین وسیله حضور خود را در دادگاه تامین نمودند.

بعد از تشریفات اولیه دادگاه توسط قاضی و... جلسه دادگاه کار خود را آغاز کرد. قاضی دادگاه از باصطلاح " شاکی " در خواست نمود که دلایل و یا اگر مدارکی مستند دارد، بر علیه باصطلاح " متهمین " و بتواند ثابت کند که این دو نفر متهم و خطاکار هستند، ارائه و نشان بدهد. وکیل " با شرف " با ادا و اطوار خاصی و قیافه ای حق بجانب " کاست ویدیوئی " را که روز آکسیون و تعرض به سفارت، سرکوبگران اسلامی از پشت پنجره تهیه کرده بودند، از کیف همراه در آورده و آنرا از طریق ویدیو نشان داد و تلاش میکرد که با توضیحات نشان بدهد که این دو نفر گوگجه و تخم مرغ را پرتاب کرده اند و پلیس فنلاند آنها را اشتباهی دستگیر نکرده است و خطا کار هستند. و ...

اما یک هو وکیل با قهقه خنده و با صدای بلند حرف زدن ناظرین و دو نفر دیگر روبرو گردید و به او گفته شد که ما خودمان از این واقعه فیلم برداری کرده و بهترش را داریم. و... وکیل که متوجه شده بود که نه تنها او باخته است و تمامی تلاشهایش مفتضحانه بوده بلکه او خود و کل جلسه دادگاه هم مورد تمسخر ناظرین و " متهمین " هم می باشد در نتیجه هاج و واج شده بود و نمیدانست چکار بکند.

باصطلاح " متهمین " و جواب به اولین سؤال قاضی و...

با صدایی رسا و حق به جانب و قیافه ای سرشار از جدیت و بشاشیت بر عملکرد و حرکت خود در آن روز تاکید کردند و گفتند بله ما با تخم مرغ و گوگجه فرنگی به مقرر نمایندگی حکومت اسلامی حمله کردیم که پایگاهی است فاشیستی و تروریستی و سمبل رژیم است که ضد انسان می باشد و تاکنون بیشتر از صد هزار نفر را اعدام کرده است و ده ها نفر زن را بخاطر عشق ورزیدن خارج از ازدواج، که ابتدایی ترین حق انسانی شان می باشد، سنگسار نموده است. کار خوبی کردیم. کار ما در دفاع از حقوق انسانی و اجتماعی و حق زنده ماندن و زندگی انسانها می باشد. ما برای سرنگونی این حکومت فاشیستی مبارز و تلاش می کنیم و نه تنها از حرک و عملکرد خود پشیمان نیستیم، بلکه همچنان بر تعرض و مبارزات خود هم شدت خواهیم داد و هر آن هم ممکن باشد از این هم بدتر خواهیم کرد. اگر راست می گوئید این فیلم را از کانالهای تلویزیونی فنلاند پخش کنید تا مردم فنلاند بدانند که ما در دفاع از حق و حقوق اجتماعی و حق زنده ماندن انسان و بر علیه اعدام و سنگسار زنان توسط حکومت اسلامی در ایران این کار را کرده ایم و از این ببعد هم خواهیم کرد. و...

در این میان رنگ و رو و قیافه " وکیل " خنده آور بود جدا از اینکه اصلا منتظر چنین برخوردی دندان شکنانه و سر راست و تاکید کردن بر عملکرد و حرکتی که انجام گرفته است، نبود بلکه بیشتر از اینکه " متهمین " میگویند و تاکید می کنند که اگر ممکن باشد از این هم بدتر خواهند کرد و مضاف بر آن " متهمین " و ناظرین با زبان کردی در حین سؤال و جواب قاضی و دادستان با همدیگر مشورت میکردند و می خندیدند و کاری از دستش ساخته نبود و فکر میکرد با این جواب دندان شکن و تعرضی که " متهمین " داده و میدهند، مثل اینکه اوضاع به سمتی دیگر می رود و به ضرر و بر علیه او و موکلش دارد ورق بر می گردد. و...

بعد از آن، یکی دیگر از " متهمین " در جواب دادستان و قاضی گفت که بهتر بود از ما سؤال می کردید که چرا اینکار را انجام دادیم و... " وکیل " هوا را پس تر می دید و معترضانه گفت دادگاه سیاسی نیست اینها میخواهند سیاسیش کنند. به وی تذکر و جواب داده شد که در وقت خودت صحبت کن، بله ما فعالین سیاسی هستیم و کار و عملکرد اعتراضی مان سیاسی بوده است. دیگر برای خودش خفقان گرفت و بخودش می پیچید. و... " متهمین در ادامه گفتند که خود کارکنان سفارت اسلامی، عمداً گوججه و تخم مرغ را به در و دیوار ساختمان زده اند و میخواهند با قدرت دولت و پلیس فنلاند این پول را از ما بگیرند. این حکومت نه تنها ضد انسان است، بلکه دروغگو هم می باشد زیرا تاکنون بیشتر از صد هزار نفر را اعدام کرده است و در کمال بی شرمی به دنیا اعلام میکند که هیچ کسی را اعدام نکرده و هیچ مخالف سیاسی، زندانی نیست. و اصلا زندانی سیاسی ندارد. و...

نکته ای که جالب بود، عجله کردن یکی از " متهمین " بود که فشار آورده بود که من باید بروم تا بموقع به محل و سر کارم برسم، زیرا جواب خودم را داده ام، دیگر نمیتوانم و وقت ندارم و لازم هم نیست که بیشتر از این بنشینم. قاضی از وی میخواست که صبر کند حتماً بموقع خواهد رفت. اما او همچنان بر رفتنش پافشاری میکرد. قاضی و دادستان و وکیل خیال میکردند که جلسه را به سخره گرفته است و برایش مهم نیست. که در واقع هم جلسه مسخره ای بود! زیرا قاضی و غیره میدانستند که جریان چیست و حکومت اسلام چه جنایاتی را در مورد مردم ایران در طول حاکمیت ضد انسانی اش مرتکب شده است. اما این " با شرفها " بنا به مصالح و منافع اقتصادی و سیاسی دولتشان بر واقعیاتی بسیار عیان و غیر قابل انکار در کمال بی شرمی باید پا بگذارند و چشم بپوشند. و... او بر حرف خودش همچنان پافشاری نمود و عاقبت رفت.

اظها رات شاهدین

برای جلسه دادگاه دو نفر بعنوان شاهد " رضا کمانگر یکی از فعالین آکسیون از طرف " متهمین " و فرمانده واحد پلیس محافظ سفارت در روز آکسیون " از طرف سفارت معرفی شده بودند.

ابتدا جهت شهادت طلبیدن پلیس فرمانده واحد به جلسه فراخوانده شد. از وی سؤال شد که آیا شما دیدی که گوگجه و تخم مرغی که این دو نفر پرتاب کردند به دیوار بخورد؟ و آیا دیدی که کارکنان سفارت خود گوگجه و تخم مرغ را به دیوار بزنند؟ زیرا این دو نفر میگویند که سفارت خود این کار را کرده است. پلیس در جواب گفت؛ در آن روز اوضاع بسیار متشنج شده بود و بمحض دستگیر شدن این دو نفر و بازداشت کردنشان در ماشین پلیس، بقیه به ماشینها حمله کرده و ماشینها را محاصره نمودند و حتی نزدیک بود که کنترل از دست ما خارج شود و من در آن اوضاع نتوانستم متوجه بشوم که آیا گوگجه و... این دو نفر به دیدار اصابت کرد یا نه؟ و همچنین تا من آنجا بودم، ندیدم که خود سفارت اینکار را بکند و در آنموقع اصلا به در و دیوار ساختمان دقت نکردم و...

بعد از آن طی مشورتی با همدیگر گفتیم که سؤالات دیگر حاشیه ای بدون ربط و مسخره خواهد بود.

بعد از آن " هیئت منصفه " دادگاه وارد شور شد و بعد از شور اعلام نمود که نتایج دادگاه را مدت یک هفته دیگر از طریق وکلا به اطلاع طرفین خواهد رساند.

بعد از گذشت یک هفته نتیجه دادگاه را از طریق وکیل مربوطه رفقا، که حکم بر براءت متعرضین " متهمین " داده بود، ابلاغ گردید " تحت این عنوان که چون چند نفر دیگر هم تخم مرغ و گوگجه فرنگی بطرف ساختمان پرتاب کرده اند، پس معلوم نیست که تخم مرغ و گوگجه های اصابت کرده به در و دیوار ساختمان سفارت متعلق به چه کسی می باشد و صرفا بدلیل اینکه پلیس این دو نفر را توانسته است دستگیر بکند، نمیتواند دلیلی بر محکومیت اینها باشد" که در واقع شکستی مفتضحانه بود از هر لحاظ برای حکومت فاشیستی اسلام در ایران!

زیرا تلاش زیادی کرده بود که بلکه بتواند به هر نحوی باشد، با اهرم و قدرت اجرایی دولت و دستگاه قضایی و پلیس فنلاند، جهت فشار آوردن و بنوعی ممانعت بوجود آوردن و ترساندن و باز داشتن فعالین سیاسی کمونیست و آزادیخواهی باشد که در آکسیونهای متعدد بنا به فراخوانهای تشکیلات فنلاند حزب کمونیست کارگری ایران، شرکت میکنند، موفق بشود تا از تکرار و شدت بخشیدن به چنین حرکاتی جلوگیری کند که در واقع خیالی خام و تلاشی بیهوده و عبث بود و خواهد بود. و...

چگونه بتوان واقعه را به میدیای فنلاند کشاند؟

این یکی از نکات اصلی بود که در دستور قرار گرفت تا بلکه مسئله به میدیای فنلاند کشانیده شود و افکار عمومی مردم فنلاند را از جنایات اسلامی ها در ایران مطلع نمود. بر این اساس با یک گروه فیلمبردار که در زمینه های متفاوت دکمنت " می سازند، تماس گرفته شد و در جریان مسئله قرار داده

شدند. و... گروه مزبور حاضر به تهیه برنامه شد. و تاکید کردند که تلاش خواهند نمود با یکی از کانالهای سراسری تلویزیون فنلاند تماس بگیرند تا بلکه آنها را قانع کنند که برنامه تهیه شده را خریداری کنند و طی برنامه ای مشخص آنرا پخش کنند. بعد از مدتی جواب دادند که با کانال یک شبکه سراسری تلویزیون فنلاند، قرار داد بسته اند و قول داده اند که برنامه مزبور را پخش کنند. و... گروه برای خود برنامه ریزی نمود و طی جلسات متعدد از جوانب متفاوت و مشغولیات روزمره، اجتماعی و سیاسی حیدر خدزی و دختر بزرگش به " اسم آیلاز " و دلمشغولیهایش و چگونگی زندگی کردنش و مناسباتش در خانه، مدرسه و ... همچون یک دختر معمولی فنلاندی و لحظاتی از نشستن با وکیل و وارد شدن به ساختمان و جلسه دادگاه و دریافت جواب توسط وکیل و... فیلم تهیه کردند. در نهایت این گروه برنامه ای نیم ساعته " ۳۰ دقیقه ای " تهیه نموده بود و روز " سه شنبه ۱۳ نوامبر ۲۰۰۲، ساعت ۳۰، ۸ - ۸ بعد از ظهر از شبکه سراسری کانال یک تلویزیون فنلاند پخش گردید. " برنامه ای که همه هفته در این روز و ساعت بطور ویژه و در روزهای پنجشنبه ساعت ۲ بعد از ظهر دو باره تکرار میکنند، میباشد، و برنامه های خاصی را پخش می کند که حداقل بیشتر از سیصد هزار بیننده دارد. اما در این مورد بنا به شرایطی تبلیغاتی وسیع و گسترده ای که تمامی میدیای فنلاند از یک هفته قبل برای پخش این برنامه فراهم کرده بودند، بطور قطع آن شب یک میلیون نفر این برنامه را تماشا کرده بودند. بدینوسیله جنایات حکومت اسلامی ها در مورد مردم در ایران به اطلاع افکار عمومی رسانده شد. نه تنها هدفی که از همان اوایل در دستور قرار داده شده بود، تامین گردید، بلکه به نحو بسیار بارز و غیر قابل باور کردنی به و توسط میدیای فنلاند به اکثریت خانه های مردم فنلاند کشانیده شد، و با جرات میتوان گفت که اکثریت جامعه فنلاند از این امر مطلع شدند. و ...

فیلم تهیه شده و انعکاس آن در میدیا و جامعه فنلاند

فیلم را گروه " دو دنیای آیلاز " اسم گذاری کرده بود. قبل از پخش فیلم از تلویزیون فنلاند، گروه فیلم ساز آنرا در اختیار تمامی جراید فنلاند قرار داده بود. روزنامه های سراسری فنلاندی هر کدام با زیر تیتراهای مشخص از جمله در روزنامه مترو که مجانی پخش می شود و در تمامی وسایل جمعی نقلیه و امکان عمومی وجود دارد، نوشته شده بود که " **اینها مخالف کشتار، اعدام و سنکسار** " **در ایران هستند**، مقالات متفاوت نوشته و از دیدگاه خود آنرا تحلیل کرده بودند که همگی بنوعی بر اعدام، سنکسار زنان و کشتار مخالفین در ایران تاکید گذاشته بودند. یک هفته قبل از موعد پخش کانال یک فنلاند چندین بار تبلیغ زمان پخش آنرا نمود. که قطعاً انعکاس مثبت خود را داشته و در جلب و جذب در صد بیشتر بیننده و حساسیت بخرج دادن تاثیرات مثبت خود را داشته بود. و...

فیلم با نشان دادن صحنه هایی بمدت حدوداً ۵ دقیقه از آکسیون اواخر ماه ژانویه ۲۰۰۱ در جلو سفارت، شامل شعار دادن " مرگ بر جمهوری اسلامی، تعرض و حمله معترضین با گوجه و تخم مرغ به سفارت و

یورش پلیس در این هنگام به تظاهرات کنندگان، دستگیر کردن " حیدر و صالح " و حمله تظاهر کنندگان به ماشینهای پلیس جهت آزاد کردن دستگیر شدگان و شعار دادن بر علیه پلیس " پلیس، پلیس رفقایمان را آزاد کن " و هنگام آزاد شدن " حیدر و صالح " و استقبال پر شور و شوق با شعار مرگ بر جمهوری اسلامی از آنها و باندرولهایی که به زبان فنلاندی " مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی " و گوشه کوچکی از سخنرانی یکی از شرکت کنندگان با زیر نویس فنلاندی، شروع می شود و با نشان دادن تکه های از زندگی حیدر و دخترش آیلاز در زمان و مکانهای متفاوت، در منزل، مدرسه، فروشگاه و وارد شدن به دادگاه و جلسه دادگاه و... می باشد. در قسمتی دیگر، هنگامیکه " حیدر و آیلاز " در پای کامپیوتر نشسته اند و از طریق اینترنت برنامه مراسم " گرامیداشت رهبر سیاسی و کمونیست هرگز فراموش نشدنی منصور حکمت " را تماشا میکنند با عنوان منصور حکمت " کارل مارکس زمانه " و با پخش سرود انترناسیونال در مراسم و آذر ماجدی در حین سخنرانی در مراسم را نشان میداد. و... فیلم با نشان دادن لحظه و صحنه ای که " حیدر، آیلاز خدري و رضا کمانگر " با همدیگر جواب دادگاه را از وکیل تحویل می گیرند، در جواب تلفن یکی از رفقای حزب که تلفنی از حیدر، از چگونگی جواب دادگاه سؤال می کند، و حیدر در جواب می گوید که ما بردیم! جمهوری اسلامی این دفعه هم باخت. امیدوارم که اینبار ما او را به دادگاه بکشانیم! خاتمه پیدا میکند.

پخش این برنامه با انجام تبلیغات وسیعی که در پیرامون آن قبل از انجام گرفته بود، تاثیرات بسیار مثبتی را گذاشته بود و جمعهای متفاوت ایرانی و... ساکن فنلاند از طریق تلفن صمیمانه اظهار خوشحالی میکردند و نفرت و انزجار بی کران خود را از موجودیت حکومت اسلام ابراز می داشتند.

در این میان جمهوری اسلامی بیشتر از هر زمانی " پته اش " روی آب افتاد و بعنوان یک حکومت جانی و ضد انسان که ماهیت واقعی اش می باشد، به جامعه فنلاند شناسانده شد. و تمامی تلاش و نقشه هایش همراه پلیس فنلاند به باد داده شد و شکست بسیار مفتضحانه ای متحمل شد.

بعد از پخش برنامه جانیان لانه فاشیستی و تروریستی اسلامی در هلسینکی به مدیریت کانال یک تلویزیون فنلاند، از طریق تلفن به پخش این برنامه اعتراض کرده بودند که بر علیه جمهوری اسلامی عمل کرده اید. طبق گفته خود مدیریت، به آنان جواب داده بود که اینجا کشوری دیگر است و حق آزادی بیان و اظهار وجود، وجود دارد و جای هیچگونه اعتراضی در این مورد نیست.

در سیر طی شدن این ماجرا " وکیل " رفقا حیدر و صالح که وکیلی بود با افکار چپ، بدون هیچگونه توقعی مادی، نقش مثبت و چشمگیری را داشت. و از هیچگونه کمک ممکنه که بتواند این حرکت در دادگاه به نفع ما تمام شود، خود داری نمی کرد و جای خود دارد که از وی تشکر و قدردانی شود!

